

از تحقیقات بخش اعصاب دانشکده پزشکی

استفاده از هیپنوتیزم در عالم پزشکی (۱)

نگارش

دکتر سپهریان

آسیستان

دکتر چهرازی

استاد کرسی اعصاب

تاریخچه

قدمت هیپنوز (۲) بعقیده پرفسور کولر (۳) از زمانی است که بشر متشکل شد و خانه گیر، آنها که در تمها (۴) جنبه ساحری و جادوگری داشتند مبدع و بنیان گذار هیپنوتیزم بوده اند. مبین این نظریه همانا مفهوم کلمه سحر میباشد که بمعنی عام، مجوع و اعتقاداتی است که قوای نامرئی را در حیات انسان و زندگی اخلاقی و عملی افراد مؤثر می شمارد. ذهن مردم ابتدائی و متمدن باد و شیوه تفکر ذاتاً بدنبال همندجه در غیر این صورت ظهور علماء و تسلسل علم قطع میشود. مناسک سحری (بر خلاف مناسک دینی) متغیرو ناپایدار است و بتدریج باتجر به و مشاهده مقرون میگردد. کیمیاگری، ستاره شناسی، پزشکی و غیره مأخذ سحری دارند. کلمه عربی طب نیز بمعنی جادو است. فنون اول در دایره سحر و در امان ساحران پرورش یافته و بتدریج جنبه غیبی و رموز آن حذف و بر مبنای آزمایش استوار گردیده است.

سحر تنها شامل اعمال نیست بلکه پدید آورنده افکار و حاوی نظرات و موجود فرضها می باشد و هدف ساحر شناخت امور و معرفت در آن نیز هست و بدین ترتیب دقت

۱- Hypnotisme

۲- Hypnose

۳- Professeur Calère

۴- Totème قبایل کوچک قدیم را میگفتند

در مشاهدات، تحقیق در آثار، تفکر در امور روش معمولی ساحران بشمار میرفته و از آن جهت بی تردید مدد بزرگی به بسط دایره معارف نموده اند.

آن هنگام که افکار عمومی اعتقاد باعمال ساحران را خرافات پرستی و موهوم دوستی تلقی کرد و گروه کثیری از آنها را با اتهام ارتباط باشیاطین طعمه آتش نمود بالتبع بر خاطرات هیپنوز هم خاکستر فراموشی نشست تا زمانی که ویردینگ (۱)، پرفسور روستک (۲) و مسمر (۳) (پایه گذار منیتیسیم حیوانی) (۳) و بعضی دیگر تحقیقات در این باره را نو کردند. باید متذکر شد که اینها نیز از تهات در امان نمانده و حتی برخی حقه زن و نیرنگ بازو ریاکار نام گرفتند ولی آنچه مسلم است بیش تازان کاروان علم و دانش در راه تحقیق و کشف رموز از تهات و افترا ییمی نداشته و همواره بی کار خود گرفته اند.

در ۱۸۴۲ جیم برد (۵) جراح منچستری که خود از نخستین مخالفین سرسخت هیپنوتیزم بود معتقد بآن شد تا آنجا که سرسلسله جناب مکتب بردیسم (۶) گردید و طرفدارانش آنچنان مبالغه کردند که مدعی بودند شخص بخواب رفته (۷) تحت نیروی ملکوتی (۸) خواب کننده (۹) از نامه تاشده و کتاب نگشوده خبر میدهد، آینه و گذشته را میگوید سر نوشت شما و سر نوشت دنیا را بیش بین است.

در ۱۸۵۹ و لپو (۱۰) از طرف بروکا (۱۱) تحت عنوان «بررسی در زمینه خواب مصنوعی» (۱۲) در فرهنگستان علوم پاریس سخنرانی کرد.

شار کو (۱۳) موضوع «حالت عصبی تصنمی و نورز تجربی» (۱۴) را مطرح نمود و آنها را تابع فعالیت مخ دانست. (سربرژن) (۱۵).

بابنسکی با عنوان پسیکوژن (۱۶) عقاید خود را خلاصه کرد.

۱- Wirding

۳- Mesmer 1734

۵- Jame Braid

۷- Hypnotisé

۹- Hypnotiseur

۱۱- Broca

۱۳- Charcot

۱۵- Cérébrogénèse

۶- Professeur Rostock

۴- Magnetisme animal

۶- Braidisme

۸- Divin

۱۰- Velpeau

۱۲- un travail sur l' hypnotisme

۱۴- un état nerveux artificiel une nevrose experimentale

۱۶- Psychogénèse

بر نهایتیم (۱) حالات مختلف خواب مصنوعی را یاد آور گردید .
 و بالاخره استاد بیرژانه (۲) دانشمند معاصر تحقیقات خود را موجزاً در کتابی
 بنام هیپنوتیزم برشته تحریر در آورده ۱۹۲۵ .

از نام محققین دیگر در این راه بناچار برای رفع اطاله کلام خودداری میشود .
 هلت (العلل) (۳)

« تأویل حدوث هیپنوز را بادو کلمه قبول (۴) ورد (۵) خلاصه کرده اند . »

رمف (۶) ۱۸۸۰ اختلال جریان خون در مخ را سبب میدانند .

برهیر (۷) ۱۷۸۱ نقصان اکسیژن سلولهای دماغی در اثر تحریک و کار و بالنتیجه

کمرخی آنها را (۸) مطرح نموده است .

عقیده کارپاتته (۹) ۱۸۸۶ بر آن است که کوشش و کشش فکری (۱۰) در جهتی

قطع اعمال روحی (۱۱) را در جهت دیگر بدنبال دارد .

هاید نهایتیم (۱۲) ثابت نمود که برانگیختگی عصب میتواند اعمال وقفه را سبب

گردد (باتحریک زوج دهم دماغی وقفه در عمل قلب و باتحریک پیاز نخاع تعلیق اعمال

حیاتی نتیجه میشود) .

برون سکوار (۱۳) چنین اظهار نظر مینماید « وقفه عبارتست از فقدان موقت

یا همیشهگی فعالیت مرکز عصب یا خود عصب یا عضله ، بدون آنکه ضایعات قابل رؤیت

وجود داشته باشد ، گاهی بلافاصله و زمانی اندکی پس از تحریک نقطه ای از دستگاه

عصبی که کم و بیش بامحل آن فاصله دارد وقفه بوجود می آید و معلق کننده موقت یا

از بین برنده دائمی عمل یا فعالیت است . هیپنوز بوسیله تحریک محیطی (حواسی -

۱- Bernhaym

۳- Pathogenie

۵- antipathie

۷- Preyer

۹- Carpanter

۱۱- Cessation des fonctions psychique

۱۲- Heidenhaim

۲- Pierre Janet

۴- Sympathie

۶- Rumpf

۸- Engourdissement

۱۰- une grande contention d'esprit

۱۳- Brown sequard

حسی) یا تحریک مرکزی (فکری - تأثیری) ایجاد میشود. بنابراین هیپنوتیزم عبارتست از مجموعه اعمال و وقفه‌ای و تحریکی (۱).

باولف (۲) میگوید بطور کلی اعمال مخ دو جنبه دارد بدنبال هر تحریک و وقفه‌ای و متعاقب هر وقفه تحریکی است و روش معمولی زندگی افراد مبنی بر دواصل فوق می باشد.

دو فرضیه روحی بابنسکی (۳) و دماغی شار کو (۴) هنوز دست آمیز جدال است.

نتیجه :

قوای شعوری شخص بخواب رفته (۵) اندک اندک نقصان یافته (۶) و نیروی

۱- L'inhibition est la disparition momentanée ou pour toujours d'une fonction ou d'une activité dans un centre nerveux, dans un nerf, ou dans un muscle, arrêt ayant lieu sans alteration organique visible survenant immédiatement ou peu après la production d'une irritation d'un point du système nerveux plus ou moins éloigné de l'endroit où l'effet s'observe. L'inhibition est donc un acte qui suspend temporairement ou anéanti définitivement une fonction, une activité à l'aide duquel un individu est jeté dans L'hypnose nest d'abord ' qu'une irritation periferique (sensoriel ou senitif) ' ou central (par influence d'une idée ou d'une émotion) essentiellement donc l'hypnotisme n'est qu'un effet ou un ensemble d'actes d'inhibition et de dynamogenie.

۲ - Pawlov

۳- Psychogenèse

بابنسکی معتقد بعمل تلقین است یا بهتر گفته شود هیپنوتیزم را فونکسیونل میدانند.

۴- Cerebrogênse

شار کو عقیده به عمل دماغی دارد و هیپنوتیزم را عضوی می‌شمارد.

۵- Hypnotisme par persuasion

۶- Paraise intellectuelle croiss ante

خود کار فکر تخفیف کلی می یابد (۱) تا آنجا که دامنه شناسائی محدود و اراده تحت الشعاع قرار میگیرد و در اینحال شدت پذیرش مجال حصول عالیترین نتیجه را میدهد.

ژلی (۲) : در کتاب «تصور (۳)» چنین میگوید :

مشخص خواب رفتن بی حرکتی روحی خواب رفته ها است که فقط در مسیر همان فکری که بایشان داده میشود سیر میکنند (۴).

بعقیده برنهایم (۵) هیپنوز حالت روحی خاصی است که میتوان آنرا برابر انگیخت تا بالنتیجه تلقین پذیری را بدرجات مختلف بفعالیّت و تظاهر وادارد یعنی شخص تمایل می یابد به آنکه تحت فکر پذیرفته شده واقع گشته و آن عمل کنند (۶).

پیرژانه هیپنوز را در تنگی میدان شناسائی (یعنی فقدان افکار بی شمار فرعی) وضعف اعمال روحی و تجزیه فکری (۷) خلاصه مینماید تمرکز دقت بجائی و تخفیف اعمال دماغی منتج از آن پایه و اساس فرایض او میباشد (۸).

۱- Spontanéité psychique est supprimé

۲- Joly

۳- L'imagination

۴- Le Somnambulisme est caracterisé par l'inertie morale des sujets qui partent sur chaque idée qu' on leur fournit .

۵- M. Bernheim

۶- un etat psychologique particulier, susceptible d'être provoqué, qui met en activité ou exalte à des degrés divers la suggestibilité, c'est à - dire l'aptitude à être influencé par une idée acceptée par le cerveau et à la réaliser.

۷- Le retrécissement du champs de la conscience (se traduit par l'absence des innombrables pensées) la faiblesse de la synthèse psychologique et la désagrégation mentale .

۸- La concentration de l'attention 'la diminution des fonctions vient td'un excés de l'attention (over attention) sur un point. L'hypnotisme n'est pas un etat contre nature, elle ne crée pas de fonctions nouvelles... elle exagère à la faveur d'une concentration psychique speciale

پس با توجه با آنچه گفته شد مسلم میگردد که میتوان افکار شخص بخواب رفته‌ای را بسمتی کشانید. بدیهی است این موضوع در دفع پلیدیها و دفع زشتیها کمکی شایان و اثری نمایان خواهد داشت. کولر در کتاب خود تأیید این مطلب را مینماید (۱) که بی شک یکی از برجسته ترین فوائد خواب مصنوعی بشمار میرود. سال اخیر در سرویس اعصاب موفقیت‌های شایانی در درمان بوسیله هیپنوتیزم بدست آمده که یک مورد آن نیز در یکی از جلسات کنفرانسهای چهارشنبه بیمارستان پهلوی معرفی گردیده است.

روا شد

- 1- hypnotisme (P. Pierre Janet) 1925
 - 2- » et magnetisme (P. Culère) 1820
 - 3- » (P. Rimbaud) 1957
 - 4- » (P. Elmerse knolse)
- ۵- حالات عصبانی - نوزها - تألیف پیرژانه ترجمه دکتر چهرازی

۱- un des phénomènes les plus extraordinaires de cette phase est la possibilité de faire perdre à un somnambulique la notion de sa propre personnalité et la transformer à une autre.